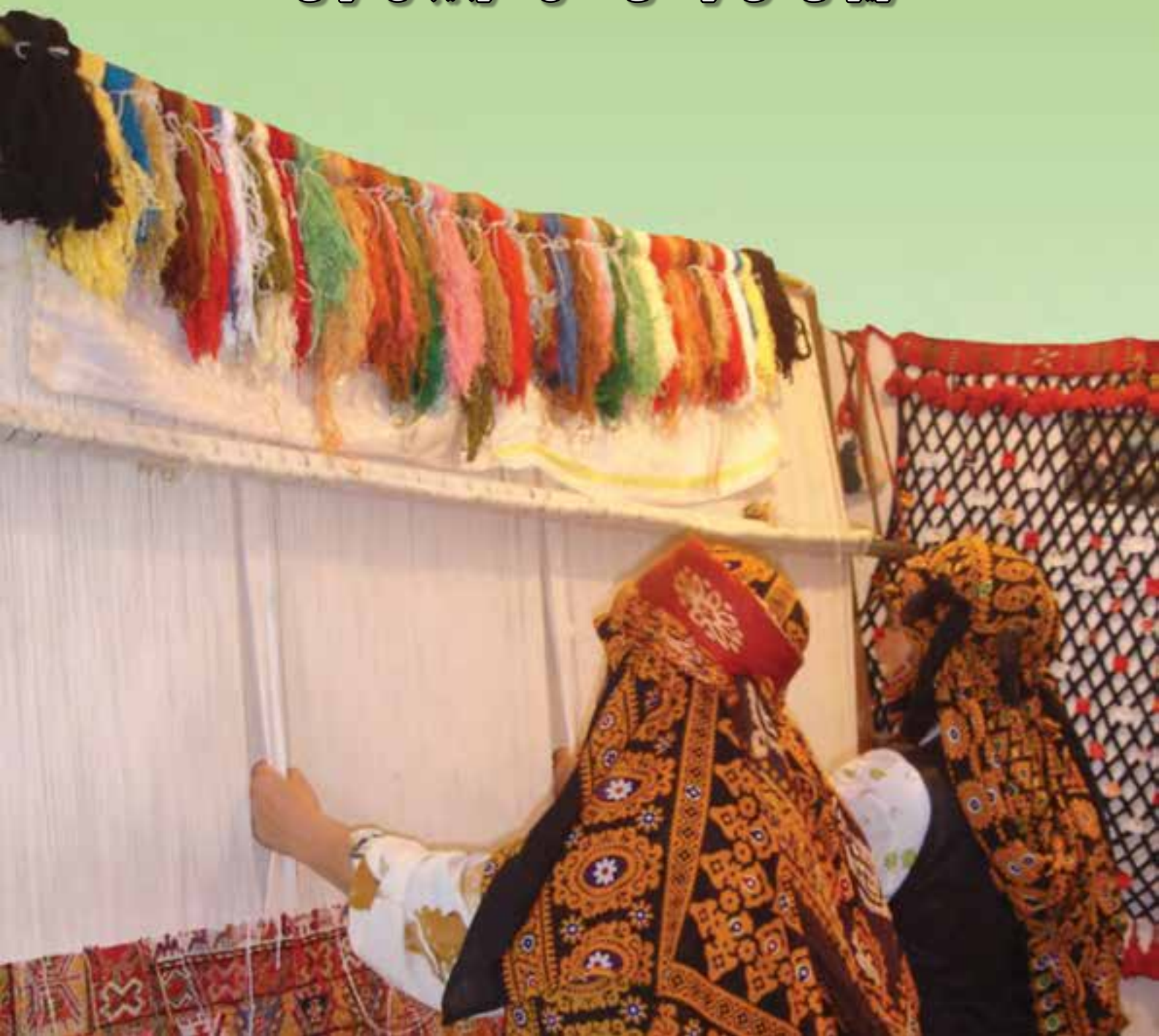


# فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان آذربایجان شرقی





## درس نهم: سیمای فرهنگی استان



در باره ویژگی‌های فرهنگی استان مان چه می‌دانید؟



شکل ۱-۳

### آداب و رسوم

از دیدگاه یونسکو، فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد؛ بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست. هر جامعه از طریق فرهنگ، خود را از دیگر جوامع متمایز می‌کند و همواره با انتقال سنت‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات به نسل جدید، ضمن حفظ هویت قومی، آن را بازسازی می‌کند. بنابراین شناخت فرهنگ، عادات و شیوه زندگی هر قوم و تلاش برای حفظ آن در میان نسل جوان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که می‌دانیم در همه بخش‌های این استان، شیوه‌های مختلف زندگی، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف، باورها و اعتقادات، مراسم عزاداری و جشن‌ها، موسیقی و بایاتی‌ها و داستان‌های جالب و متنوعی وجود دارد که آشنایی شما دانش آموزان عزیز (وگاه یادآوری آن) می‌تواند ضمن حفظ و نگهداری این گنجینه‌های فرهنگی، برغنای آن بیفزاید. در این کتاب با بخشی از فرهنگ، زبان، گویش، مذهب و برخی ویژگی‌های فرهنگی استان آشنا خواهید شد.

### فعالیت



– درباره لزوم شناخت و حفظ آداب و رسوم محلی گفت و گو کنید.

### زبان و گویش

زبان‌شناسان بر این باورند که در دوران ماقبل مادها به دلیل کثرت اقوام ساکن در آذربایجان، مردم این منطقه گویش‌های گوناگون داشته‌اند. که امروزه اطلاعات چندانی از آنها در دسترس نیست. با مهاجرت آریایی‌ها و تغییرات تژادی که از این مهاجرت حاصل شد، گویش مردم منطقه در دوران مادها و هخامنشیان، (۶۱۲–۳۲۷ ق.م) که اکثریت ساکنانش آریایی بودند زبان پارسی باستان بوده است. طی صدها سال تغییراتی که در زبان پارسی باستان به وجود آمد از آغاز سلطنت اشکانیان به پارسی میانه تبدیل شد و از نظر گویشی، به دو گویش عمده پهلوی شمالی و پهلوی جنوبی (مغرب آن فهلوی) تقسیم شد. پنج ولایتی که به زبان پهلوی شمالی سخن می‌گفتند عبارت بودند از (اصفهان، ری، همدان، مهابدان و آذربایجان) چون این نواحی محل زندگی طوایف ماد بوده، این نوع لهجه پهلوی را زبان دگرگون شده مادی قدیم می‌دانستند که در این نواحی رایج بوده است.

بعضی از ایران‌شناسان، زبان حقیقی پهلوی را که در زمان دولت اشکانیان، زبان اداری و کتابت بود زبان آذربایجانی

می‌دانستند.

با گسترش اسلام در آسیای میانه و اسلام آوردن عده کثیری از قبایل ترک ساکن منطقه و روی کار آمدن دولت ایرانی تبار سامانیان (۲۰۴ ه.ق) ارتباط با قبایل ترک ساکن آسیای مرکزی تنگاتنگ شد. بنا به گفته مورخان، سامانیان هر سال به قبایل ترک حمله می‌کردند و عده‌ای از جوانان ترک را اسیر می‌گرفتند از این طریق گروهی از آنان به عنوان سرباز و یا خدمه وارد دربار سامانیان می‌شد



و تعدادی از آنها به دربار خلافت بغداد فرستاده می‌شدند. بعضی از این ترکان که سربازان جسور و مردان مدبر بودند در دربار سامانیان به مقامات عالی اداری، درباری و نظامی می‌رسیدند. یکی از این ترکان آلپ تکین غلام نوح ابن منصور سامانی بود که در دربار سامانیان به مقام حاجبی رسید و دیگری دامادش سبکتکین بود که به سپهسالاری خراسان رسید و اولین دولت ترک نژاد را در سال ۳۶۶ ه. ق در ایران تأسیس نمود. غزنویان در سال ۴۲۹ ه. ق از ترکان کثیرالعهده سلجوقی در جنگ دندانقان شکست خوردند و با این شکست دومین دولت فراگیر ترک توسط طغرل بیگ رئیس غزان سلجوقی در سال ۴۲۹ ه. ق در ایران و آسیای صغیر (ترکیه امروز) تأسیس شد. از این زمان چون آذربایجان به دلیل داشتن مراتع خوب بیلاقی و جلگه‌های پست قشلاقی محل زندگی مناسبی برای ایلات دامدار و کوچرو سلجوقی بود بیشتر این اقوام مهاجر در آذربایجان ماندگار شدند. استمرار استقرار دولت‌های ترک زبان به صورت طبیعی زبان ترکی در آذربایجان را توسعه داد. به طوری که در دوران حاکمیت همه این دولت‌ها مردم آذربایجان به زبان ترکی تکلم می‌کردند اما امورات اداری و درباری همه این دولت‌ها همچنان به زبان فارسی صورت می‌گرفت.

امروزه گویش مردم آذربایجان به دلایل تاریخی و جامعه شناختی ترکی آذری است. ولی زبان اداری و آموزشی و نوشتاری فارسی می‌باشد. تعداد زیادی از لغات آذری باستان در اصطلاحات کشاورزی، تقویمی، توزینی، اسامی روستاها و محل‌ها کاربرد دارد.

بقایای گویش آذری باستان که قبل از حضور اعراب و سلجوقیان زبان گویشی مردم آذربایجان بوده است و جهانگردان، مورخان و جغرافی‌نویسان اسلامی از آن یاد کرده‌اند. تاکنون در بعضی از روستاهای آذربایجان مانند گلین قیه و هرزند عتیق شهرستان مرند و روستاهای ملک و کرینگان شهرستان ورزقان و مردانقم شهرستان خداآفرین و غیره به دلایل دورافتادگی از مرکز و گاه تعصبات قومی محفوظ مانده و ساکنان مناطق یاد شده به آن گویش تکلم می‌کنند.

## مذهب و آیین‌های مذهبی در استان

پس از ظهور اسلام و آشنایی ایرانیان با پیام آزادی‌بخش و انسان‌ساز اسلام، گرایش به این دین در آذربایجان نیز گسترش یافت و مردم مسلمان آذربایجان به لحاظ عشق و محبت به پیامبر و اهل بیت او پیرو مذهب شیعه دوازده امامی گردیدند و در گذر زمان، تبریز به‌عنوان مرکز حاکمیت محل اعلام رسمی تشیع شد و در واقع اولین پایتخت جهان تشیع به حساب می‌آید.

در عین حال سالیان سال است که وجود اقلیت‌های مذهبی را در بافت اجتماعی خود پذیرفته و با رأفت اسلامی، زندگی مسالمت‌آمیزی را با آنان داشته است. مردم آذربایجان برای ابراز علاقه زیاد خود به پیامبر اکرم (ص) و امامان بزرگوار همه ساله مراسم خاصی را در نقاط مختلف استان به منظور بزرگداشت آنان برپا می‌کنند.

در این استان همه ساله مانند سایر نقاط ایران، آیین‌های مذهبی به مناسبت‌های خاصی برگزار می‌شود. این مراسم به تناسب شرایط زمانی و مکانی، شکل‌های خاصی به خود می‌گیرد.

یکی از جلوه‌های عشق و علاقه مردم این دیار به خاندان اهل بیت (ع) مربوط به مراسم محرم می‌باشد.

این مراسم به صورت دسته‌های عزاداری شاه حسین وای حسین، هیئت‌های زنجیرزنی، سینه‌زنی، روضه‌خوانی و شبیه‌خوانی تاسوعا و عاشورا برپا می‌شود. در گذشته نه چندان دور در روستاهای استان روزهای تاسوعا و عاشورا قبل از برگزاری مراسم



شکل ۲-۳- تصویری از مراسم سینه زنی در ایام محرم در استان

شبیہ خوانی، برخی روستاییان با روشن نمودن سماور زغالی جلوی منازل خود از عزاداران حسینی پذیرایی می کردند. امروزه این مراسم با گذشت زمان شکل های متفاوتی پیدا کرده است.

مراسم شبیہ خوانی که سالیان سال است در جای جای آذربایجان اجرا می شود، از پررئق ترین مراسم ایام محرم به شمار می رود. در این مراسم وقایع مربوط به قیام امام حسین (ع) برای عزاداران به نمایش درمی آید تا همواره این حرکت تاریخی را برای نسل های بعد زنده نگه دارد.



شکل ۳-۳- تصویری از مراسم شبیه‌خوانی

### شهریار و روز شعر و ادب فارسی

سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، از برجسته‌ترین شاعران معاصر ایران است که به زبان‌های فارسی و ترکی شعر سروده است. در تقویم ایران بیست و هفتم شهریور ماه که مصادف با روز درگذشت استاد است، روز «شعر و ادب فارسی» نام‌گذاری شده است.

منظومه «حیدر بابایه سلام» او در سال ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ منتشر شد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این منظومه درخشان‌ترین اثر ادبی زبان ترکی است و تاکنون به ۸۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.



شکل ۳-۴- شهریار

## ویژگی های فرهنگی استان

حیدر بابا، ایلدریملار شماخاندا  
 سملر، سولار، شماقیلدیوب آخاند  
 قیزلار اونل صنف باغلیوب باخاند  
 سیلام اولسون شو کتوزه، ائلوزه  
 منیم ده پیر آدیم گلسمین دیلوزه

یکی از دلایل شاهکار بودن منظومه «حیدر بابا به سلام» آن است که دربرگیرنده فرهنگ عامه این دیار است. تصویر ارائه شده در این شعر، نه تنها تصویر واقعی روستای خشکتاب بلکه نمایی از تمام روستاهای ایران است. شهریار که به حق او را شهریار شعر و سخن نامیده اند، در قالب های مختلف شعر فارسی، مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و قالب های آزاد شعر سروده است. از غزل های او می توان به «همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» و «سهندیه شهریار» اشاره کرد.



شکل ۵-۳- تصویری از روستای خشکتاب (زادگاه شهریار)

### تاپماجالار (چیستانها)

از گذشته های دور در آذربایجان، مردم به دلیل وجود زمستان های سخت و طولانی از طریق نقل افسانه ها و متل ها، باباتیلار، قوشماجالار، تاپماجالار و آتابا سوزلری (ضرب المثل ها) و... سرمای روزهای زمستان را در دور کرسی ها به گرما تبدیل می کردند. در اینجا چند نمونه از این چیستان ها را می آوریم:

داغدا تاپیلدار سودا شاپیلدار اویادا فرمان کندهده سلیمان	نادا وار، نارداد وار ناردان شیرین هارداد وار ال توتماز، بیچاق کسمز اوندان شیرین هاردادوار؟	اونه دی کی، ها گندر، هو گندر هش کولگه سی یوخ
	جواب: خواب	جواب: آب



## آتا بابالار سوزی (ضرب المثلها)

ضرب المثلها، آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ عامیانه مردم است که در درون خود اندیشه‌ها، تجارب، رویدادهای تاریخی و آموزه‌های سنتی یک ملت را جای داده است. این جملات که به طور خلاصه و کوتاه با حالتی از طنز و کنایه، مطالب آموزنده را به طور غیر مستقیم به مخاطبان خود انتقال می‌دهند، جان کلام را در اوج فصاحت و بلاغت بیان می‌کنند. در ادبیات مردم آذربایجان ضرب المثلها (آتا بابالار سوزی) و چیستانها (تاپماجالار) جایگاه بسیار مهمی دارند.

### بیشتر بدانیم

در اینجا به تعدادی از این ضرب المثلها به زبان ترکی اشاره می‌شود:

آت، آت اولونجا، بیه سی مات اولار..... تا اسب بخوهد بزرگ شود، صاحبش مات می‌شود.  
 باش یولداشی یوخدور، آش یولداشی چوخدور..... یار جانی کم است و یار نانی بسیار.  
 آت اولوب، ایتین بایرامی دیر..... اسب مرده، عید سگه.  
 بسله سن، اطلس اولار توت پیراقیندان..... با تربیت و پرورش دادن، از برگ توت اطلس به دست آوری.  
 ایشله مین، دیشله مز..... کسی که کار نمی‌کند، حق خوردن هم ندارد.  
 هر نه توکسن آشووا اوگلر قاشیقو وا..... هر چه توی آشت بریزی، همان را توی قاشق می‌بینی.

### فعالیت



– دو مورد از ضرب المثل‌های رایج محل زندگی خود را با گویش و لهجه‌های محلی خودتان تهیه کنید.

### بایاتیلار

دویتی‌های بومی ادبیات شفاهی مردم آذربایجان، یکی از رایج‌ترین انواع آهنگین ادبیات عامیانه به شمار می‌روند. «بایاتی»ها وسیله‌ای برای بیان شادی‌ها، دردها و آرزوهای مردم آذربایجان است.



### بیشتر بدانیم

انسان ها همیشه به زادگاه خود و خاطره هایی از موطن خود علاقه مندند و هرگاه از آن دور شوند، با شوق و خاطره آن زندگی می کنند.

عزیزیم وطن یاخشی..... عزیز من وطن خوب است.

گیمیه کتان یاخشی..... برای پوشیدن، کتان خوب است.

گزمه یه غریب اولکه..... برای گشت و گذار، غربت خوب است.

اولمه یه وطن یاخشی..... برای مردن وطن خوب است.

.....

آپاردی چاپلار منی. هفته لر آیلار منی..... رودها، هفته ها و ماهها مرا با خود بردند.

یوکوم قورقوشوم یوکوی - یوردی بو تایلار منی..... بار من سرب است، این بار مرا خسته کرده است.

### لالایی ها

لالایی ها بخش لطیفی از ادبیات شفاهی سرزمین ماست که به عنوان نخستین ارتباط کلامی مادر با کودک، مهر و محبت مادرانه را به طرز زیبایی در وجود کودکان جاری می سازد و موجب آرامش جسم و روح مادر و کودک می شود. از دیرباز در آذربایجان لالایی ها در فرهنگ عامیانه مردم جایگاه مهمی داشته است.



شکل ۳-۶ - لالایی موجب آرامش جسم و روح مادر و کودک می شود.



## بیشتر بدانیم

باتاسان	گوله	قیزیل	باتاسان	دئدیم	لالای
تاپاسان	یوخی	شیرین	ایچینده	گولون	قیزیل
گونده من	سن	کولگده	گونده من	دئدیم	لالای
قوربان	سنة	قوربان	اولسا	بیر	ایلده
لالای	اوشیگیم	لالای	لالای	بششیکیم	لالای
لالای	کشیکین	لالای	سن یات، من	اویاق	قالیم

### بازی‌های محلی

در گذشته در مناطق مختلف آذربایجان همچون دیگر مناطق ایران، کودکان و نوجوانان اوقات فراغت خود به صورت‌های گوناگون سپری می‌کردند که هم موجب تفریح و شادی آنان می‌شد و هم آنها را با فنون و مهارت‌های اجتماعی آشنا می‌ساخت. متأسفانه امروزه این بازی‌ها که پر از شادی و نشاط جای خود را به وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای، آتاری و ... داده است که هم آثار نامناسبی بر سلامت روح و روان کودکان و نوجوانان برجای می‌گذارد و هم سلامت جسمی آنان را به مخاطره می‌اندازند. در آذربایجان با توجه به تنوع این منطقه انواع بازی‌های محلی مشاهده می‌شود. از جمله آن‌ها می‌توان به بازی: بنفشه بنده دوشر، بش‌داش، طناب کشی، تیرنا ووردی، پیل دسته (کلینگ آغاج)، آرادا ووردی، گیزلین پالانج (قایم باشک) و ... اشاره کرد.



شکل ۷-۳- تصویری از مسابقه طناب‌کشی در میان عشایر

### بیشتر بدانیم

#### تیرنا ورودی

در این بازی دایره ای روی زمین کشیده می شود و کمربندی را در وسط دایره قرار می دهند، عده ای از بچه ها به عنوان نگهبان، دور تا دور دایره می ایستند و از کمربند محافظت می کنند. یکی از بچه ها هجوم می آورد و می کوشد وارد دایره (قلعه) شود و کمربند را بردارد. اگر موفق شود با کمربند، محافظان را تنبیه می کند و اگر نتواند، به عنوان جریمه ضربه هایی که رئیس قبیله تعیین می کند، باید تحمل نماید.

#### فعالیت

– با کمک بزرگ ترها دو مورد از بازی های محلی را که پدران و مادران شما در دوران کودکی در محل زندگی خود بازی می کردند، بیان کنید.



شکل ۸-۳

#### موسیقی آذربایجان

موسیقی محلی آذربایجان، با طبیعت زیبای این منطقه (کوه ها و دامنه ها، دشت های سرسبز و دره های عمیق) و زندگی سنتی مردم روستاها و ایلات و عشایر درهم آمیخته است. موسیقی آذری هم از روح حماسی و پهلوانی برخوردار است و هم عشق به طبیعت و انسان و انسانیت را بازگو می کند. این موسیقی سرشار از گذشت و فداکاری در راه میهن و همنوعان است. عاشیق لار (عاشیق ها) که سروده ها و شعرهای مردمی را به شکل زیبایی می خوانند، با لباس و کلاه مخصوص و چکمه های ساق بلند، ساز خود را در آغوش می گیرند و هنگام خواندن بایاتی ها و دیگر اشعار عامیانه هر شنونده ای را تحت تأثیر قرار می دهند.



در گذشته نه چندان دور عاشیق‌ها، به صورت خوانندگان دوره‌گرد با ساز خود در عروسی‌ها و مجالس جشن روستاییان شرکت می‌کردند و در قهوه‌خانه‌ها ساز خود را همراه دف و سرنا می‌زدند و می‌خواندند. عاشیق‌ها انسان‌های مبارز، پیشرو قیام مردمی علیه ستمگران و دشمنان میهن خود بودند. آن‌ها سروده‌های زیبای خود را با انگیزه‌های احساسی ناب و انسانی و حفظ امانت هنر عاشیقی، در میان مردم می‌خواندند. مشهورترین داستان‌های آنها کور اوغلی، اصلی کرم، قاچاخ نبی و... می‌باشد که هنوز هم در پاره‌ای از روستاهای استان، در مراسم عروسی و مهمانی‌ها خوانده می‌شود.

### مراسم چهارشنبه سوری

در آذربایجان چهارشنبه‌های اسفند ماه هر کدام نامی دارند و هر یک از آنها منتسب به یکی از عناصر اربعه یعنی باد، خاک، آتش و آب است. به همین دلیل در برخی از نقاط، اولین چهارشنبه را یئل چرشنبه سی (چهارشنبه باد)، دومین چهارشنبه را توپراق چرشنبه سی (چهارشنبه خاک) سومین چهارشنبه را اود چرشنبه سی (چهارشنبه آتش) و چهارمین چهارشنبه را آخیر چرشنبه (چهارشنبه آخر) و یا سو چرشنبه سی (چهارشنبه آب) می‌نامند. اما امروزه فقط در آخرین چهارشنبه سال مراسم پریدن از روی آتش برپا می‌شود. و با گفتن: دیش آغریم، باش آغریم، قادا بالا، درد و بلام هامیسی توکولسون بو اودا (یعنی دندان دردم، قضا و بلا و درد و بلایم همه‌شان در این آتش از بین بروند) از روی آتش می‌پرند.

### بیشتر بدانیم

یکی از رسم‌های رایج در اکثر روستاهای آذربایجان شرقی رسم شال اندازی بوده که امروز نیز در برخی روستاها کم و بیش به چشم می‌خورد. پس از مراسم پریدن از روی آتش همه به خانه‌هایشان باز می‌گردند و پس از شام به پشت بام می‌روند و از روزنه سقف خانه‌ها شال یا دستمال متصل به چند متر طناب را به داخل خانه آویزان می‌کنند. اهالی خانه در شال بادام، گردو، کشمش و گردو می‌ریزند و آن را گره می‌زنند. گذاشتن تخم مرغ رنگ شده آب پز، جوراب، پول و... داخل شال نیز رسم است. باور مردم بر این بوده است که می‌گویند نباید شال انداز را دست خالی برگرداند. شهریار در مورد شال اندازی در بخشی از حیدر بابا به سلام خود می‌نویسد:

آخشامیدی، گنجه قوشی او خوردی  
آداخلی قیز، بیگ جورابین تو خوردی  
هرکس شالین بیر باجادی سو خوردی  
شال ایسته دیم من ده اوده آغلادم  
بیر شال آلیب، تئز بئلیمه باغلادم  
غلام گیله قاشیدیم، شالی سالادیم  
فاطمه خالا منه جوراب باغلادی  
خان نه نه می، یادا سالیب آغلادی



### مراسم عید نوروز

نوروز یکی از مهم‌ترین اعیاد مردم آذربایجان شرقی است. مردم از فصل سبز و زاینده‌گی طبیعت با نام‌هایی چون: نوروز بایرامی، ایل بایرامی یاد می‌کنند. در گذشته نه چندان دور با آمدن پیک‌های نوروز، این مراسم آغاز می‌شد. پنجاه روز مانده به عید سفیران نوروزی با آوازخوانی و دست‌افشانی رفتن زمستان سرد و طولانی و آمدن بهار سرسبز را به مردم مژده می‌دادند. مردم آمدن آن‌ها را به فال نیک می‌گرفتند و اعتقاد داشتند که سالی که پیک‌های نوروزی به راه می‌افتند، برای آن‌ها سالی پر محصول خواهد بود. پیک‌های نوروزی چند دسته بودند که یک دسته از آن‌ها تکم چی‌ها بودند. تکم نام پادشاه بزهاست و آن را از چوب و دانه‌های رنگین درست می‌کردند و دم خروس برایش می‌گذاشتند. بعد آن را سوار تخته‌ای می‌کردند و با تکان دادن اهرمی که به شکم تکم وصل بود، آن را می‌رقصانند و درباره‌ی خوشبختی‌ها و بدبختی‌های تکم شعر می‌خواندند.

دسته‌ای از پیک‌ها سایاچی لار نام داشتند و آنان نیز با خواندن اشعار در وصف بهار و طبیعت آمدن عید را نوید می‌دادند.



شکل ۹-۳- تصویری از «تکم» در روستا



شکل ۱۰-۳- تصویری از مراسم عید نوروز در استان





## فعالیت



با استفاده از کتاب درسی و یا صحبت با افراد خانواده یکی از جنبه‌های فرهنگی زادگاه و استان محل زندگی خود شامل، غذاهای محلی، سرودها، موسیقی‌های محلی، آداب و رسوم، جشن‌ها، لباس‌ها و غیره را بررسی کنید.

## صنایع دستی

آثار هنری و ابداعات فرهنگی هر قومی نمادی از ویژگی‌های ملی است که برگرفته از توانمندی‌های اخلاقی، هنری و فرهنگی آن قوم است.

استان آذربایجان شرقی در بسیاری از زمینه‌های هنری پیشرو بوده و مکتب خاص خود را داشته است و توانسته در طول تاریخ صفحات درخشانی را از حضور فعال و مؤثر مردان و زنان هنرمند خود به نمایش بگذارد.



شکل ۱۱-۳- قالی‌بافی در استان

## ویژگی‌های فرهنگی استان



شکل ۱۲-۳- نمایشگاه و فروشگاه صنایع دستی عشایر

در این میان صنایع دستی به عنوان جلوه‌ای بدیع از هنرهای سنتی در آذربایجان توانسته همواره تحسین نظاره‌گران را برانگیزد.

صنایع دستی در واقع میراث فرهنگی یک ملت است و استان آذربایجان شرقی یکی از کانون‌های مهم در این زمینه محسوب می‌شود.

صنایع دستی برجسته این استان شامل قالی‌بافی، ورنی‌بافی، گلیم‌بافی، سوزن‌دوزی، جاجیم‌بافی، تذهیب، هنرهای چوبی، سفالگری، نقاشی روی چرم، سبذبافی و... است. رونق صنعت زیبای فرش‌بافی در این استان به حدی است که عمده‌ترین صادرات غیرنفتی استان را به خود اختصاص داده است. فرش این استان معمولاً به کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس صادر می‌شود.



شکل ۱۴-۳- سفالگری در زنوز



شکل ۱۳-۳- سوزن‌دوزی در میقان



## بیشتر بدانیم

از سبدهافی نیز باید به عنوان یکی از صنایع در حال انقراض یاد کرد. این صنعت خانگی در گذشته نه چندان دور در بیشتر مناطق آذربایجان رونق داشته است. سبدهافی از ساقه‌های گندم و جو در مناطقی از شهرستان مرند (کشکسرای) و سبدهافی از چوب موسون در روستاهای اطراف مراغه پیشینه تاریخی زیادی دارد. زنان این مناطق این سبدها را در طرح‌ها و رنگ‌های بسیار زیبا می‌بافتند و این سبدها بیشتر مصارف خانگی داشته است.



شکل ۱۵-۳- سبدهافی در کشکسرای



## برای مطالعه

### خانواده و خویشاوندی

خانواده یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی است. امروزه با وجود تغییر زندگی گسترده به زندگی هسته‌ای که شامل زن و مرد و فرزندان می‌شود، هنوز هم خانواده به عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادها نقش مهمی دارد. فرزندان در کنار والدین و در ارتباط با پدر بزرگ، مادر بزرگ و سایر خویشاوندان پیوند خانوادگی خود را محکم نگه می‌دارند. در استان آذربایجان شرقی خانواده از جایگاه خاصی برخوردار است و خانواده‌ها در ارتباط با تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. رفت و آمدهای خانوادگی، صله‌رحم و... بسیار متداول بوده و مراسم مختلف و جشن‌ها با حضور بزرگان فامیل برگزار می‌شود.